

متن پرسش

امشب بعد از شب‌ها که گویی عمری گذشته است و این جان در این لحظات را که گویی عمرهای عمر گذرانده‌است و چیزهایی با این جانِ ناقابل گویی نشانده شده است؛ شاید اگر بخواهم زود به آخرش برسم می‌گویم که هر چه می‌روی جلوتر هیچ است و هیچ و باز به همان هیچی می‌رسی، اما باید اینگونه بگویم که در جانم حداقل امشب را نمی‌خواهم به آخرش برسم بلکه امشب می‌خواهم بهانه‌هایم را کنار بزنم و خود را با تمام جان فرسایی به میدان بکشم. میدانی از جنس نور و رحمتِ عزیزکم؛ امشب می‌خواهم به تویی که نقدی، نقدی بزنم؛ می‌خواهم امشب با تو سخن بگویم؛ چند وقتی است ندیدمت استاد، دلتنگتم؛ ماتمی که زنده کننده اینگونه است که هر لحظه با آن غم مجدد و مجدد مواجه میشم؟ هر لحظه‌اش شوکی بر جانِ ست؛ هر لحظه گویی لحظه‌ی تجدید و مواجه‌ای ست. بر من بگو چه آغوشی را محتاجم؟ این روزها با خودمان زمزمه‌های بسیاری داریم. با خود فکر می‌کنم و می‌گویم تسکین نمی‌خواهم، تسکین نمی‌خوام. بر من بگو، بر منی که به او می‌گویم ما بیشتر از هر چیز دعا‌های تو را هم از دست دادیم. من کم شعر می‌گویم اما گاهی زبانم پر می‌شود از شعر؛ بر من بگو، بر منی که به او می‌گویم فقط می‌دانم شما کسی بودید که دلم می‌خواست چشم‌هایم را بشویم و غزلی ناب بسرایم و آن غزل را در خدمت شما باری دیگر بسرایم؛ بر من بگو از چیزی که برای حرکت و زندگی کردن کم دارم؛ بر من بگو از خودِ این بنده‌ام؛ این چه سفره‌ای ست؛ بر من بگو، بر منی که به او می‌گویم در آغوشم بگیر، این جانِ زخمی این جانِ پر از رگه‌های درد؛ آخر که می‌داند؟ من مدتهاست که او را می‌نوشم، من با دیدنش، او گویی در دلم در آغوشم می‌جوشد و هست؛ من این آغوش را چگونه بگویم که بر زبانم جاری کردنش بسیار دشوار است؛

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به قامت بلندی که بلندتر از بلندی‌های انسانی است، نظر کنید. قامت بلندی که از تاریخ خود بسیار جلوتر و جلوتر بود و با آرامش فوق‌العاده خود به فردایی اشاره می‌کرد که فردای انسانیت انسان‌ها بود تا ما در امروز خود امیدوارانه متوجه حکایتی باشیم از ریزه‌کاری‌ها و ظرائف پروردگار عالم، که چگونه ضعف حیل‌های شیطان را به نمایش آورده. بیچاره شیطان که با هزار امید در توهمات خود گمان می‌کند با برنامه‌هایی که ریخته است پیروز میدان است و ناگهان متوجه می‌شود چه بلایی بر سر خود آورده، زیرا گرفتار لحظه‌های ذهنی خود می‌باشد و نه متوجه سنت‌های الهی و نه متوجه فطرت‌های پاک مردمی که با تمام وجود، خود را در شخصیت امام شهیدشان حضرت آیت الله

خامنه‌ای «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» جستجو می‌کنند. و از این جهت راز حضور هر شب آن‌ها در میدان‌های شهر را حکایت بعثتی باید دانست که این مردم اراده کرده‌اند تا همه چیز را با حضور مردمی خود به ظهور آورند، حضوری که امام شهیدمان یک ماه قبل از شهادت‌شان، فرمودند: «این فتنه‌ها ادامه خواهد داشت... اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله‌ی با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد.» آیا این حکایت تاریخی نیست که ذیل شهادت آن مرد الهی آغاز شده؟!

از خود باید بپرسیم ما در کجای این تاریخی که آغاز شده است، قرار داریم؟! تاریخی که به ظرافت نور و به صفای نسیم، وزیدن گرفته تا انسان‌ها گم‌شده خود را که انسانیت اصیل است بیابند و این است حکایت حضور سنت‌های الهی در دفاع از مظلوم و نابودی ظالم. حال باز باید از خود پرسید در میدانی که با شهادت آن امام عزیز گشوده شد، ما در کجای این تاریخ ایستاده‌ایم؟

به آیات ۲۴ تا ۲۷ سوره ابراهیم «علیه‌السلام» بیندیشید که می‌فرماید:

« أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴) تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَ يُضْرَبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵) وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶) يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۷) »

به شجره طيبة انقلاب اسلامی و به ریشه پایدار آن که در جان انسان‌ها ریشه دوانده و شاخه‌های آن سراسر عالم را به اذن الهی پر کرده، بیندیشید که هر روز جلوه‌ای از خود را به نمایش می‌گذارد و این است راز سراسیمگی جبهه استکبار و صهیونیسم که نمی‌داند با این شجره طيبة چه کند؛ در مقابل شجره خبیثه‌ای که بدون ریشه‌ای پایدار از جا کنده شده بدون هر آینده‌ای. و این‌جا است که فرمود: « يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ » آری! خداوند آنانی که در عهد خود با او پایدار باشند را در منطقی بزرگ، ثابت قدم می‌دارد و جبهه مقابل آنان را در گمراهی و بی‌هدفی سرگردان می‌کند زیرا آنچه در صحنه است خواست و اراده خداوند است و نه خواست و ارده جبهه استکبار.

چه اندازه زندگی زیبا خواهد شد آن‌گاه که ذیل اراده الهی و با نظر به سنت‌های ثابت عالم، خود را همچون امام شهیدمان پایدار و با استحکام احساس کنیم. موفق باشید